

آیا فقط می توان به ظواهر آیات اکتفا کرد

آیت الله قرهی در درس اخلاق خود گفت: بدانیم یک عوالم دیگری هم هست، بدانیم که قرآن فقط ظاهر نیست.



آیت الله قرهی در درس اخلاق خود گفت: بدانیم یک عوالم دیگری هم هست، بدانیم که قرآن فقط ظاهر نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، مطلبی از درس اخلاق آیت الله قرهی در پی می آید.

ما اگر بخواهیم فقط به ظواهر آیات نگاه کنیم، متوجه مطالب آن نمی شویم. مثلاً الآن یک آیه را اشاره می کنم، شما خودتان بروید ببینید ظاهر آیه چیست. من مخصوصاً بعضی از مطالب را فقط اشاره می کنم که آن روح تحقیق به خصوص در جوانها بیشتر شود. به قول آیت الله العظمی گلپایگانی که یک موقعی سر درس می فرمود: مثل این که مستشکی نیست، بگذارید من خودم مستشکل باشم. لذا بد نیست ما هم گاهی خودمان اشکال ایجاد کنیم و جوابش را هم بدهیم. این طوری بهتر است تا بخواهیم آن ها اشکال ایجاد کنند و بعد ببینیم جواب چیست.

حالا این مطلبی که می خواهم عرض کنم، چیست؟ ببینید در آنجایی که می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی»، ظاهر آیه در مورد چیست؟ وهابی ها می گویند: شما باید صورت ظاهر آیه را نگاه کنید، در مطالب قبلی این عبارت، کجا به غدیر خم و بحث ولایت و ... اشاره شده است؟!

اما ما چند مطلب در جواب آن ها داریم که یکی شأن نزول است. حالا بروید ببینید مگر قیلش چه می گوید که آن ها ایراد گرفته اند؟ حالا من جوابش را هم نمی گویم و به تعبیری فقط شبهه می اندازم. مگر آن ها شبهه ایجاد نمی کنند، بگذارید یک بار هم خودمان، خودمان را به شبهه بیانداریم.

لذا شاید یک عده بگویند: آقا! این چه حرف هایی است می زنید؟! مگر شما مرتد هستید؟! باید به آن ها گفت: بله، درست است، ما مرتدیم! چون چیزی نمی فهمیم و حرف هایم باید جمع بشود. البته بنده که واقعاً چیزی نفهمیدم و فرمایشات آن اعظم را محضر مبارکتان عرض می کنم اما آیا نستجیر بالله آن اعظم که تأییدیه از آقا جانمان گرفته اند، آن ها که بدن مقدسشان را زیر پای امیرالمؤمنین، علم مطلق پروردگار عالم بردند و ... مرتد و کافرند؟

یادتان نرود، عرض کردم بعد از این که حضرت خضر به حضرت موسی گفت: «هذا فراق بینی و بینک»، گنجشک، کف دست موسی، قطره ای انداخت و حضرت خضر گفت: چیست؟ او به اذن الله فهمید و گفت: می خواهد بگوید تمام علم اولین تا آخرین، در مقابل علم وصی پیغمبر آخر الزمان، مثل یک قطره در مقابل دریا می ماند.

لذا امیرالمؤمنین که این قدر علم دارند، به بعضی ها هم آن قدر علم دادند که در آخر هم گفتند: تو را پیش خودم می برم. لذا ما ملک نقال داریم که این ولی خدا را زیر پای امیرالمؤمنین بردند.

پس چنین اعظمی این حرف ها را زدند. اما این هم درست است که امثال من نمی فهمند. اما ما چرا باید بیان کنیم؟ برای این که اگر بیان نشود، دیر می شود. حداقل وصف العیش باشد تا نصف العیش بشود. چون خود عیش حقیقی که نیست. اما حداقل قضیه یک چیزی به گوشمان خورده باشد.

لذا عزیز دلم! بدانیم یک عوالم دیگری هم هست، بدانیم که قرآن فقط ظاهر نیست، پس آن «سبعین بطناً» کجاست؟! اصلاً برای چه گفتند: «سبعین بطناً»؟! ما باید این ها را بدانیم.